



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

اعلامیه کمیه حقوق بشر FAROE

### افغانستان هنوز هم آن سالهای خونین را بیاد دارد!



چهاردهم فبروری 1989 روزی افتخاری در تاریخ معاصر افغانستان است. ارتش سرخ که از جنگ جهانی دوم با سرفرازی بدر آمد و لشکر شکست ناپذیر پنداشته میشد، از زور آزمایی با افغانهای مسلح شور عاجز آمد. جنرال گرومف آخرین نظامی متعلق به سپاه 40 اتحاد شوروی حین خروج از افغانستان حتی جرأت نکرد به عقب خود بنگرد. موصوف امروز بیست سال بعد از آنروز در مراسم گل گزاری بر پای بنای یادبود نظامیان روسی کشته شده در افغانستان در شهر ماسکو گفت: "با اتکا به تجارب خویش به ایالات متحده مشوره میدهم از ارسال نیروی بیشتر به افغانستان بپرهیزد. در افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد". شکست اتحاد شوروی در افغانستان نقطه آغاز انقراض امپراطوری شوروی بود. گذشت بیست سال نتوانسته است خاطرات تلخ سالهای پر از خون و آتش اشغال کشورشان توسط روسها را ز حافظه مردم افغانستان بزدايد. مردم دستهای آلوده به خون و جنایت روسها و رهبران قوای مسلح رژیم دست نشانده روس را خوب بیاد دارند و از عواقب نامیمون آن هنوز هم رنج میبرند. بنابراین کرشمه های اخیر کرزی بطرف روسها که در واقع میخواهد حسادت امریکایی ها را تحریک کند، فقط میتواند به تنفر بیشتر مردم از وی منتهی گردد. تلاشهای مذبحخانه طراحان "منشور عفو" در "پارلمان" افغانستان برای دفع الوقت و ماستمالی جنایات آن دوران و دوره جنگهای داخلی سالهای نود، هرگز پیروز نخواهد شد. برخی از ذباله های رژیمهای سی سال



په اروپا کی دمیشه افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

---

گذشته بر خود اسم بی مسماي " کارشناس " را گذاشته وحاضرند با استفاده از تریبون برخی تلویزیونهای بی مضمون افغانستان با آمدن بروی صفحه تلویزیون مردم افغانستان را رنج دهند، میکوشند دولت پوشالی ویا دکانهای توزیع اسلحه (تنظیمهای) شان را در پیروزی بزرگ مردم افغانستان علیه تجاوز روس شریک جلوه دهند. حقیقت اینست که افتخار این پیروزی بزرگ فقط و فقط به مردم افغانستان تعلق دارد. دکانداران تنظیمی که ادعای "انحصار" این افتخار را دارند، آله دست آی اس آی، سی آی آی و استخبارات ایران و عربستان سعودی بوده یگانه اثری که این تنظیمها بدستور بیگانگان برجانبش مقاومت ضد روسها گذاشتند اینبود که جنبش را رنگ مذهبی داده متفرق ساختند. بعد از خروج عساکر روس ایشان در همکاری با دوستانها، محمودبریالی ها، عبدالوکیل ها، تنی ها، علمی ها، محمدرفیع ها، کشتمندها و... پلان صلح ملل متحد را ناکام ساختند و ماحصل خون دو میلیون شهیدجنبش ضداشغالگران را با جنگ داخلی سالهای نود به باد فنا دادند.

بعنوان حسن ختام میخوایم نکاتی را از کتاب "افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی" که توسط جنرال داکتر قاریف سر مشاوراعلای نجیب الله در مورد حکومت پوشالی و اشغال برشته تحریر درآمده است نقل قول کنیم. میکوشیم عبارات مرتبط بهم را از صفحات مختلف در یک پاراگراف جمع نموده با ذکر صفحه و سه نقطه از هم جدا سازیم. قاریف مینویسد: "در واقع چرخش آوریل (اپریل) یک کودتای نظامی بود" (صفحه 16)... " این حرکت از همان آغاز کد امین پایگاه اجتماعی جدی نداشت" (صفحه 19)... "ناسازگاری برنامه های انقلابی با روح جامعه، تلاش برای تحمیل این برنامه ها باروشهای ستمگرانه و زور، تنشها و مبارزه آشتی ناپذیر میان گروهکهای "خلق" و "پرچم" در میان حزب و بیدادگری های گروهی در برابر روحانیون و لایه های گسترده مردم، نیروهای انقلابی را در چشمان توده ها هرچه بیشتری ارج میگردانید" (صفحه 17)... مشاوران شوروی که در ارگانهای حزبی و دولتی کار میکردند، نیز نمیتوانستند جدا بر پیشامدها تأثیر وارد کنند. در گام نخست مشوره گیرندگان آنها زیر هیچگونه فشار نمیخواستند ویا اینکه ترس داشتند در بین مردم برونند" (صفحه 19)... "در مجموع جنگ در افغانستان به پیمانها بسیار به پر تنش شدن رویارویی های نیروهای مختلف اجتماعی-سیاسی در کشور و تشدید بسیاری دیگر از پدیده های منفی مساعدت کرد که در سر انجام منجر به فروپاشی اتحاد شوروی و نابسامانیهای دیگری که ما امروز به آن دست وگریبان هستیم گردید" (صفحات 29 و 30) "ختم"